مهندس نعیمی پور در گفت و گوی تفصیلی با آفتاب یزد:

نظریه‌نبوی خودکشی از ترس مرگ است

آفتاب یزد- هستی قاسمی: اصلاح‌طلبان امروز با چند معضل نخست غلط از آب در آمدن محاسباتشان در انتخابات ۹۶، سپس افزایش نارضایتی عمومی نسبت به وضعیت موجود به ویژه مشکلات اقتصادی و همچنین عدم تحقق مطالبات جامعه در قبال رای به روحانی و در نهایت کاهش پایگاه اجتماعی شان روبرو هستند. از این رو، وضعیت مذکور منجر به این مهم گشته است که اصلاح‌طلبان برای حضور در انتخابات آتی و عدم مشارکت در آن دچار تردید شوند. چراکه طی هفته‌های اخیر سعید حجاریان در مصاحبه‌ای به این مساله اشاره کرد« اگر شرایط قرار است به همین منوال کنونی پیش برود بهتر است در انتخابات شرکت نکنیم(!)» اما در مقابل بهزاد نبوی نیز بر حضوراصلاح‌طلبان در انتخابات تاکید ورزید و گفت:« شرایط سخت است. بنابراین برای جلوگیری از ورود تندروها باید در انتخابات شرکت کرد.» این دو نظریه طی ماه‌های اخیر منجر به بروز اختلاف نظر و تریدهایی در اردوگاه اصلاح‌طلبی گشته است. از این رو، آفتاب یزد درباره دو نظریه مذکور یعنی حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات آتی جهت جلوگیری از ورود تندورها و ضرورت عدم معرفی کاندیدا به دلیل احیای این جریان و نیز سایر مسائل با مهندس محمد نعیمی پور فعال سیاسی اصلاح‌طلب چهره‌ای نام آشنا به گفت و گو پرداخته است که آن را در ادامه می‌خوانید.

عملکرد دولت و شرایط نظارت استصوابی برای اصلاح‌طلبان منجر به دوگانگی در میان جبهه اصلاحات شده است. زیرا حجاریان بر این اعتقاد است که به دلیل احیای جریان اصلاحات، این جریان نباید در انتخابات آتی شرکت کند (!) و برعکس نبوی بر این باور است که اصلاح‌طلبان باید در انتخابات پیش رو شرکت کنند زیرا در غیر این صورت تاریخ تکرار خواهد شد. در نهایت چه باید کرد؟

عدم حضور در انتخابات آتی همه سخنان آقای حجاریان نیست و رسانه‌ها و محافل سیاسی اظهارات او را تنها به این گزاره خلاصه کرده‌اند که «نباید در انتخابات شرکت کرد». حال آنکه سخن حجاریان به طور مشخص و معین چنین نیست بلکه او روی این مسئله تاکید دارد که اگر شرایط قرار است به همین منوال کنونی پیش برود یا به تعبیر بنده باز هم ناگزیر به انتخاب میان بد و بدتر باشیم و در نهایت بد را انتخاب کنیم؛ بهتر است که در انتخابات شرکت نکنیم. بنابراین اصلاح‌طلبان باید یک چاره‌اندیشی جدی داشته باشند تا بتوانند خود را از یک وضعیت واکنشی احتمالی رها سازند. یعنی تا زمانی که اصلاح‌طلبان در شرایط نظارت استصوابی هستند، نمی‌توانند راه مناسب را پیدا کنند. از سویی دیگر اگر باز هم میان بد و بدتر بخواهند دست به انتخاب بزنند در این صورت پاسخگوی جامعه نخواهند بود. زیرا مردم می‌گویند ما به شما در قبال رأی به گزینه موردنظرتان اعتماد کردیم اما در نهایت نتیجه‌ای از این رأی اعتماد دریافت نکردیم. بنابراین «اصلاح‌طلبان در سال ۹۴و ۹۶ به این سیاق عمل کردند و اکنون بخشی از سرمایه اجتماعی خود را از دست داده‌اند و لذا دیگر ادامه راه گذشته امکانپذیر نیست، چون سرمایه اجتماعی به محاق می‌رود.» در این صورت اصلاح‌طلبان باز هم برای گزینه دیگری تلاش کردند اما در مقابل سرمایه اجتماعی خود را از دست خواهند داد. اما آقای نبوی بر این موضوع تاکید دارد که شرایط سخت است و لذا به دلیل پیچیده شدن اوضاع باید اصلاح‌طلبان حتی از سرمایه اجتماعی خود بگذرند. شخصا تصورم بر این است نظریه آقای نبوی در شرایط کنونی یک نوع خودکشی از ترس مرگ است. تئوری مهندس نبوی در سال ۹۲ قابل استناد و نتیجه بخش بود. اما اشتباه اصلاح طبان این بود که در سال ۹۶ مانند سال ۹۲ عمل کردند. اکنون که آقای روحانی مسیر سیاسی خود را تغییر داده است اصلاح‌طلبان نباید پاسخگوی برخی عملکردهای نامطلوب ایشان باشند و قضاوت را به مردم واگذار کنند. این جریان به مردم توصیه کردند چه رویکردی در پیش بگیرند. به آقای روحانی رأی دهند تا از پیچیده شدن شرایط و تکرار تجربه دولت آقای احمدی‌نژاد جلوگیری کنند در حالی که به قدر کافی مطالعه نکردند که ممکن است آقای روحانی در آینده چه رویکردی در پیش بگیرند. اما بر این اعتقادم که راه‌های اجرایی عملی و تاکتیک‌هایی وجود دارد که اگر اصلاح‌طلبان به آن توجه کنند از حالت تسلیم و استیصال خارج شده و در نهایت در انتخابات آتی تاثیرگذار خواهند بود. علاوه بر این معتقدم که فریاد کشیدن به دلیل وجود نظارت استصوابی و گفتن این مسئله که حذف آن به نفع کشور است و می‌تواند گردش نخبگان ایجاد کند و افراد شایسته تری می‌توانند در مقام تقنین یا اجرایی مستقر شوند، این مسئله تنها مطلوب ماست. البته اصلاح‌طلبان، دموکراسی خواه و خواهان مشارکت مردم در سرنوشت خود هستند. اما لزوما این سخن طرف مقابل (رقیب) نیست. رقیب بر این باور است باید مجلسی سرکار بیاید که استراتژی آنها را دنبال و برنامه‌هایشان را عملی کند. بنابراین اگرچه از نگاه جریان اصلاحات نظارت استصوابی مطلوب نیست، اما این تنها نظر اصلاح‌طلبان است. ولی در مقابل حذف آن، برای اصولگرایان خوشایند نیست. به همین دلیل جریان اصلاحات باید در حد توان خود دست به اقدامی بزند که بتواند بر این موانع و مشکلات غلبه پیدا کند نه اینکه از جریان رقیب بخواهد موانعی چون نظارت استصوابی را از سر راه بردارد. زیرا رقیب با خود می‌گوید که وجود مانع بر سر راه جریان مقابل بدین دلیل است که عده‌ای در حکومت ورود پیدا نکنند. بنابراین اصلاح‌طلبان باید بتوانند نفرات و نیروهایی را از سد استصواب بگذرانند که اگر این افراد به مجلس راه پیدا کردند در زمین بازی اصلاح‌طلبی فعالیت کنند؛ اگرچه‌اندک اما دیدگاه و رویکرد اصلاح‌طلبی را دنبال کنند. حتی ممکن است این افراد یک یا ۳۰ نفر باشد. در این صورت اصلاح‌طلبان بسیار قاطع می‌توانند به مردم بگویند که ما نیروهای اصلاح‌طلبی برای انتخابات معرفی و به این دلیل هم حمایت می‌کنیم. اما این سخن که تا زمانی نظارت استصوابی وجود دارد اصلاح‌طلبان هم در انتخابات شرکت نمی‌کنند به هیچ روی قابل قبول نیست. تنها چیزی که قابل قبول است اینکه ما تلاش خود را بدون درخواست از جریان رقیب به کار بیریم حتی اگر خروجی آن طور که باید نباشد. اما این تصور که در انتخابات آتی وارد ائتلاف با اصولگرایان معتدل و غیره می‌شویم و سپس بر شیپور پیروزی می‌دمیم در نهایت خودمان را فریب می‌دهیم. درست مانند تجربه انتخابات مجلس دهم که در پی ائتلاف با اصولگرایان که ۱۸۰نفر از لیست اصلاحات وارد مجلس شدند و پس از آن، اصلاح‌طلبان ندای پیروزی سر دادند در واقع بر سر خود کلاه گذاشتیم. دمیدن بر شیپور پیروزی اشتباه بود. زیرا از این ۱۸۰نفر تنها ۸۰تن از آنها اصلاح‌طلب هستند. در میان ۸۰ نفر تنها ۲۰نفرشان جدیت دارند تا مواضع اصلاح‌طلبی خود را دنبال کنند. بنابراین بالا بردن پرچم پیروزی یقینا صحیح نیست. در عالم سیاست شاید ائتلاف برای جلوگیری از ورود جریان تند اصولگرا و جبهه پایداری جایگاهی داشته باشد اما در شرایطی که اصلاح‌طلبان نمی‌توانند روش اصلاح‌طلبی خود را پیش ببرند در این صورت پاسخگوی مردم نخواهند بود. زیرا جامعه از دیدگاه خود مسائل را دنبال می‌کند. در واقع نیمی از افرادی که در لیست اصلاحات بودند حامیان لاریجانی هستند، بقیه شاید اصلاح‌طلبی را ملاک قرار دهند و در راه آن تلاش کنند. اگر قرار است که به سیاق و روش گذشته عمل کنیم و هیچ راهی پیش روی خود نبینیم، از سر استیصال وارد ائتلاف شویم، قطعا نتیجه‌ای نخواهیم گرفت. شاید در شرایط خاص تصمیم عدم شرکت در انتخابات مناسب باشد. بنابراین از منظر نظری سخنان حجاریان درست است اما راه حل‌های عملی را برای عبور از این شرایط توصیه می‌کنم.

خود زنی جریان اصلاحات ناشی از عملکرد انفعالی است. اصلاح‌طلبان امروز چون برنامه جدید و زمان کافی برای ارائه آن ندارند خود را متقاعد می‌کنند که دستاوردهایی هم در سالهای اخیر کسب کردند. در حالی که این توجیه خود عین خودزنی است و نشان می‌دهد که اراده‌ای برای بازسازی وجود ندارد. در واقع خود زنی از همین جا آغاز می‌شود. ولی نخبگان و جامعه درخواست دیگری دارد. اصلاح‌طلبان همچنان بر این اعتقادند که عملکرد آقای روحانی در برجام مطلوب بود و دولت او همه تلاش خود را به کار گرفت تا کشور به سمت مشکلات بیشتر نرود. اما با این همه این اقدامات کافی و راضی کننده نبود.

آیا به نحوی اگر جریان اصلاحات بخواهند روش حمایتی و انتقادی را نسبت به آقای روحانی در پیش بگیرند و در نهایت مسیر خود را جدا کنند و از مردم صراحتا عذرخواهی کنند در این صورت امکان پیروزیشان در انتخابات آتی وجود دارد؟

عذرخواهی اصلاح‌طلبان از مردم به خاطر حمایت از آقای روحانی برای برخی آرامش خاطر ایجاد می‌کند. لذا عذرخواهی و جدا کردن مسیر از آقای روحانی پاسخ مناسبی برای حضور در انتخابات و یا عدم حضور در آن قلمداد نمی‌گردد. آنچه که مسلم است برای عبور از این وضعیت باید بسیار عمیق‌تراندیشید و استراتژی دقیقی اتخاذ کرد. برای این استراتژی باید به این مسئله توجه شود که جریان اصلاحات از جریان رقیب درخواستی نداشته باشد. اصلاح‌طلبی خود باید به ذات، توان تعیین استراتژی و ارائه رویکرد و راهکار مناسب را داشته باشد. پس از آن نسبت به حرکت یا کنش و واکنش‌های احتمالی جریان رقیب پیش‌بینی‌های لازم صورت بگیرد. از سال ۹۶ تاکنون بیش از آنکه بحث‌های عمیق روی وضعیت دولت، مشکلات کشور و... صورت بگیرد روی موج ژورنالیسم و درخواست‌های هیجانی حرکت شده است که در نتیجه از آن پاسخ مناسبی دریافت نگردید. بنابراین اصلاح‌طلبان باید به دنبال راهکار جدی و رویکردهای قابل قبول باشند و در این صورت به مردم لیست معرفی کنند. چنانچه این راهکارها و رویکردها اثرگذار باشد به طور قطع مردم هم از آن حمایت خواهند کرد.

برخی بر این اعتقادند که اصلاح‌طلبان برای پیروزی در انتخابات آتی راهی جز بازسازی جریان اصلاح‌طلبی ندارند، از این رو، بازسازی اصلاحات چگونه ممکن است؟

اگر بخواهیم از تعبیر بازسازی وام بگیریم. این بازسازی در استراتژی، رویکرد و نقشه راه صورت بگیرد. کار سنتی‌ای که اصلاح‌طلبان از سال ۸۴ تاکنون دنبال کردند قبول تسلط رقیب بر اوضاع سیاسی است و لذا در زمین رقیب بازی کردن، اکنون پاسخ نمی‌دهد. بنابراین بدون تردید اصلاح‌طلبان نیاز به بازسازی در ابعاد مختلف دارند در غیر این صورت پاسخ نخواهند گرفت. پیش‌بینی‌ام بر این است که اگر اصلاح‌طلبان با همان روش گذشته در انتخابات حضور یابند به‌طور قطع شکست سختی خواهند خورد.

طی روزهای اخیر شکوری‌راد به این مسئله اشاره کرد که اصلاح‌طلبان دچار عارضه خودزنی شده‌اند و دستاوردهای خود را طی سالهای اخیر نادیده می‌گیرند، این در حالی است که ظواهر امر بیانگر واقعیت دیگری است، آیا این سخن ایشان به نحوی توجیه عملکرد جریان اصلاحات قلمداد نمی‌گردد؟

خود زنی جریان اصلاحات ناشی از عملکرد انفعالی است. اصلاح‌طلبان امروز چون برنامه جدید و زمان کافی برای ارائه آن ندارند خود را متقاعد می‌کنند که دستاوردهایی هم در سالهای اخیر کسب کردند. در حالی که این توجیه خود عین خودزنی است و نشان می‌دهد که اراده‌ای برای بازسازی وجود ندارد. در واقع خود زنی از همین جا آغاز می‌شود. ولی نخبگان و جامعه درخواست دیگری دارد. اصلاح‌طلبان همچنان بر این اعتقادند که عملکرد آقای روحانی در برجام مطلوب بود و دولت او همه تلاش خود را به کار گرفت تا کشور به سمت مشکلات بیشتر نرود. اما با این همه این اقدامات کافی و راضی کننده نبود. زیرا بعدا دولت اعتدال به جای اینکه بر اساس مطالبات مردم عمل کند به این جمع بندی رسید که شرایط دشوار است و باید در زمین رقیب بازی کند تا امکان فعالیت داشته باشد. در حالی که نخبگان می‌گویند اگر دولت هویتی دارد، باید هویتش را مطرح و بر اساس آن عمل کند. رزرو نشستن در زمین حریف برای بازی، چیزی جز شکست به دنبال ندارد. انفعال، بی‌عملی و استیصال منجر به خودزنی اصلاحات شده است. این توجیه از سوی برخی از اعضای جریان اصلاحات که ما طی سالهای اخیر دستاوردهایی داشتیم، برای افکار عمومی اقناع کننده نیست. البته قبول دارم که در این زمینه نکات مثبت هم در اقدامات اصلاحات و دولت بوده است اما برآیندش برای ناظرین بیرونی قابل قبول نیست.

آیا اصلاحات در سال ۱۴۰۰ باید به هر ترتیب بر پایه خود بایستد و و از عارف و جهانگیری یا هر شخصیت شناسنامه‌دار اصلاح‌طلب حمایت کند یا اینکه به هر تقدیر باز هم باید مسیر فعلی را ادامه دهد و حتی به تکرار تجربه‌ای مانند آقای روحانی یعنی لاریجانی تن در دهد؟

در بازی قدرت، هر جریانی به‌اندازه توانایی‌ای که دارد سهیم خواهد بود. سیاست، انتخابات و انتصابات از نوع بازی قدرت است. در انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ این جریان توانست به برکت دولت اصلاحات توان درخواست از مردم برای مشارکت در انتخابات را داشتند و می‌توانستند میان گزینه بد و بدتر دست به انتخاب بزنند؛ چون در آن زمان اعتبار و سرمایه اجتماعی وجود داشت در نهایت در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم این جریان توانست موفق شود. در سال ۹۶ سخن اصلی اصلاح‌طلبان با مردم این بود که امکان بازگشت به دوران احمدی نژاد وجود دارد. به همین دلیل هم دولت اصلاحات با شعار نباید «به عقب بازگردیم» مردم را به صحنه فرا خواند. بنابراین در آن زمان هنوز این سرمایه اجتماعی وجود داشت و این توصیه جریان اصلاحات پذیرفته شد. اما آیا در انتخابات ۱۴۰۰ همچنان از این سرمایه اجتماعی برخوردار خواهیم بود؟ از این رو، باید این مسئله قبل از هر چیز روشن شود. لذا انتظار اصلاح‌طلبان در سال ۱۴۰۰ باید متناسب با سرمایه اجتماعی‌شان باشد. اگر اعتماد مردم از اصلاح‌طلبان به ویژه رئیس دولت اصلاحات سلب گردد چه کسی می‌تواند به مردم بگوید که به کدام نامزد رأی دهید؟ از این رو، باید دید که کارت بازی اصلاح‌طلبان در انتخابات آتی چیست؟ بنابراین بازسازی جریان اصلاحات بدین مفهوم است که اصلاح‌طلبان باید با تغییر استراتژی و نقشه راه در سال ۱۴۰۰ سرمایه اجتماعی‌شان را تضمین کنند یا به نحوی افزایش دهند. در این صورت از توان لازم برای رقابت در انتخابات آتی و پیروزی در آن برخوردار خواهند بود. چنانچه این سرمایه اجتماعی تقلیل پیدا کند یا تضعیف شود، طبیعتا در این صورت اصلاح‌طلبان به سیاق گذشته می‌توانند لیست بدهند ولی مردم به دلیل بی‌اعتمادی به شکل دیگری انتخاب خواهند کرد از جمله از لیستی رأی دادن امتناع می‌کنند.

به نظر همچنان اصلاح‌طلبان نسبت به این مهم که سرمایه اجتماعی این جریان همراه با تنزل اجتماعی آقای روحانی تقلیل پیدا کرده است، تردید دارند، آیا تصور نمی‌کنید که این اتفاق طی ماه‌های اخیر به نحوی رخ داده و امروز اصلاح‌طلبان با کاهش پایگاه اجتماعی روبه‌رو هستند؟

در واقع به نحوی در رابطه با سرمایه اجتماعی اصلاحات اشاره شد. اما به طور کل باید دید رویکرد و شعارهای اصلاح‌طلبان در سال ۹۶ منجر به افزایش سرمایه اجتماعی‌شان شده یا برعکس این رویکرد پایگاه اجتماعی‌شان را کاهش داده است. چنانچه این رویکردها منجر به تنزل پایگاه اجتماعی این جریان شده باشد، در این صورت قدرت اصلاح‌طلبان هم کاهش یافته است. بنابراین نمی‌توان با قطعیت از کاهش پایگاه اجتماعی این جریان سخن گفت بلکه باید در این رابطه به محاسبه پرداخت. به نظر در مواردی این پایگاه کاهش یافته است. شاید ترس و نگرانی‌های بخشی از جامعه طی یک سال و نیم اخیر به دنبال برخی از رویدادها افزایش یافته باشد. به عنوان مثال در دوره‌ای، عده‌ای به دنبال این بودند که با آمریکا باید مذاکره کرد تا مشکلات حل شود. حال آنکه مداخله آمریکا در عراق و افغانستان شرایطی را ایجاد کرد، بسیاری از افرادی که خواهان رابطه با آمریکا بودند برای همیشه این انتظار و رویکرد را کنار گذاشتند زیرا به این نتیجه رسیدند که دخالت آمریکا در امور کشورشان منجر به از بین رفتن امنیت و استقلالشان می‌شود. کنار گذاشتن این رویکرد سبب گردید که صندوق رأی را بیشتر بپسندند و در نهایت سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان افزایش یافت. در واقع در سال ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ اگر اصلاح‌طلبان لقمه‌ای را بر دارند که می‌توانند آن را بر دهان گذاشته و در نهایت هضم کنند،اندازه همان لقمه باید عمل کنند. چراکه اگر این جریان لقمه بزرگتری بردارد، آن لقمه خفه‌شان خواهد کرد. اگر هم از دست رقیب خود لقمه‌ای بردارند، ممکن است این لقمه سمی باشد. بنابراین اصلاح‌طلبان باید از هم اکنون به بازسازی این جریان پرداخته و در نهایت رصد وعمل کنند. عمل کردن منجر به جلب توجه مردم و اعتماد آنها خواهد شد. اینکه اصلاحات بگوید فلان نامزد برای جایگاه ریاست جمهوری مناسب نیست، کاربرد خود را از دست داده است. از این رو، اصلاح‌طلبان باید در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و سیاست خارجه برنامه‌های روشن و قابل قبولی به مردم ارائه دهند به طوری که نخبگان متوجه شوند، اصلاح‌طلبان حتی در موارد جزئی نیز سخن و راهکارهایی برای مردم دارند.

فکر می‌کنید آقای روحانی با وجود حلقه ۴نفره خود در شرایط کنونی می‌تواند، دولت‌ساز باشد به طوری که ممکن است روزی آقای نوبخت و آقای واعظی، رئیس‌جمهور را مجبور به کنار زدن جهانگیری برای نیل به اهداف خود کنند؟

آقای واعظی و آقای نوبخت تا این‌اندازه که رسانه‌ها گمان می‌برند دارای وزن نیستند. بنابراین این فرض که دو فرد مذکور دست به اقداماتی بزنند که در سال ۱۴۰۰ رئیس‌جمهوری بر سر کار بیاید که موردنظر آنهاست، چندان با واقعیت کنونی مطابق نیست. این آتوریته در این دو فرد وجود ندارد. اصلاح‌طلبان از موقعیت بسیار ویژه‌ای برخوردارند. اما آقای واعظی و آقای نوبخت به راستی روی چه چیزی حساب باز می‌کنند که تصورشان بر این است انتخابات ۱۴۰۰ را می‌توانند به نام خود رقم بزنند. این احتمال تقریبا محال است که آقای نوبخت و آقای واعظی به دنبال انتخابات ریاست جمهوری آتی باشند اگر هم به دنبال معرفی نامزد در انتخابات آتی با کنارزدن کاندیدای احتمالی اصلاح‌طلبان باشند این زمینه در آقای نوبخت و آقای واعظی وجود ندارد نه‌تنها در آنها بلکه حتی در آقای روحانی هم دیگر آتوریته‌ای وجود ندارد.

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای (۲۶۱۴ / ۵۰۰ / ۹۷)
(شماره مجوز ۵۴۳۱ . ۱۳۹۷)

نوبت اول

مناقصه گزار: شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران – منطقه شمالغرب
موضوع مناقصه: پیمان غذایی مراکز انتقال نفت اشنهارد و آبهر به صورت حجمی
مبلغ برآورد مناقصه: ۲۲/۷۷۹/۳۷۵/۸۲۶ ریال
۱- محل و مکان اجرای کار: منطقه شمالغرب
۲- مدت اجرای کار: دوسال
۳- نام دستگاه نظارت: منطقه شمالغرب
۴- قیمت ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: مبلغ ۱،۶۴۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال بصورت یک یا ترکیبی از ضمانت نامه های مندرج در بند های الف، ب، ج، د، ه، و ماده ۴ آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۹/۱۲۳۴۰۲ مورخ ۹۴/۹/۲۲ هیئت محترم وزیران
ضمنا وجه نقد میبایست به حساب شماره IR ۸۵۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۴۶۸۷۱۲۰۲۷۳۸ بانک مرکزی واریز گردد
ارائه گواهینامه تعیین صلاحیت معتبر از وزارت تعاون ، کار و رفاه اجتماعی و یا جواز کسب از امور صنفی در زمینه مورد نظر الزامی میباشد
گواهی تایید صلاحیت ایمنی (از اداره کار)
زمان و مهلت خرید اسناد مناقصه: شرکت کنندگان می توانند از زمان چاپ آگهی نوبت اول تا ۵ روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم در ساعت اداری ، پس از واریز مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره IR ۸۵۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۴۶۸۷۱۲۰۲۷۳۸ نزد بانک مرکزی به منظور خرید اسناد مناقصه- واریز و به همراه فیش واریزی و معرفی نامه معتبر حضوراً جهت دریافت اسناد به آدرس ذیل مراجعه نمایند.
زمان و مهلت تکمیل و تحویل اسناد مناقصه: شرکت کنندگان میتوانند تا ۱۰ روز پس از آخرین مهلت دریافت اسناد در ساعات اداری نسبت به تحویل اسناد تکمیل شده به آدرس ذیل اقدام نمایند.
محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه: زنجان ، انتهای جاده گاوازنگ ، روبروی نمایشگاه کاسپین ، شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران منطقه شمالغرب امور حقوقی و پیمان ها
زمان و محل گشایش پاکات: پیشنهادهای واصله در محل کمیسیون مناقصات به آدرس: تهران- خیابان سپهبد قرنی- ترسیده به خیابان سپند- پلاک ۱۸۸- طبقه هشتم روز شنبه مورخ ۹۷/۱۱/۲۷ ساعت ۱۶:۰۰ بازگشایی خواهد شد .
جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاههای ذیل مراجعه و یا با شماره های ۰۲۳۳۳۶۲۳۱۳ و ۰۲۳۳۳۶۰۰۰۳ داخلی ۲۶۰۵۸ و ۲۶۰۵۹ تماس حاصل فرمائید.
www.shana.ir www.ioptc.ir
روابط عمومی

نوبت اول

«آگهی شناسایی پیمانکاران»

شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند در نظر دارد از بین واجدین شرایط ذیل الذکر جهت انتخاب مشاور جهت امکان سنجی افزایش ارتفاع دودکش IN-1941 اقدام نماید:
۱-متقاضیان باید دارای صلاحیت از سازمانهای ذیربط باشند.
۲-متقاضیان باید دارای تجربه کافی و مرتبط با موضوع باشند.
۳-متقاضیان باید دارای گواهینامه تأیید صلاحیت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باشند.
۴- متقاضیان باید دارای گواهینامه تائید صلاحیت ایمنی ویژه پیمانکاران و همچنین مجوزهای لازم جهت موضوع فوق الاشاره باشند.
لذا با کلیه اشخاص حقوقی فعال در این زمینه که دارای شرایط فوق الذکر می‌باشند، میتوانند پس از درج آگهی نوبت دوم (که سه روز پس از انتشار آگهی نوبت اول چاپ می شود) به مدت ۱۵ روز تقویمی، نسبت به ارسال یا تحویل رزومه کاری، سوابق کاری مرتبط، گواهی حسن انجام کار از کارفرمایان قبلی، گواهینامه های مرتبط و سایر مدارکی که نشان دهنده توانایی انجام کار از سوی آنان باشد در قالب لوح فشرده (CD) به نشانی: اراک – کیلومتر ۲۰ جاده بروجرد- سه راهی شازند- شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند- ساختمان مرکزی- طبقه دوم- امور حقوقی و پیمانها اقدام نمایند. ضمناً تلفکس شماره ۳۳۶۷۳۷۰۱-۰۸۶ آماده پاسخگویی به سوالات مربوطه می باشد. لازم به ذکر است پس از بررسی اسناد و مدارک ارسالی از سوی متقاضیان، از واجدین شرایط دعوت بعمل خواهد آمد. ضمناً خاطر نشان می سازد ارسال اسناد و مدارک هیچگونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.
جهت هرگونه اطلاعات بیشتر می توانید با شماره تلفن ۳۳۴۹۱۲۰۸-۰۸۶ تماس حاصل فرمائید.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۷/۱۰/۲۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۷/۱۰/۲۶
روابط عمومی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند

شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند
«سهامی عام»
شماره مجوز: ۵۳۹۸-۱۳۹۷

مزایده نوبت دوم
(حراج) دودانگ از شش دانگ مشاع یک باب مغازه
م الف: ۳۷۵۵
سازمان امور مالیاتی کشور

اداره کل امور مالیاتی استان آذربایجان غربی در نظر دارد بنا بر اختیارات حاصل از مقررات آئین نامه اجرائی موضوع ماده ۲۱۸ قانون مالیاتهای مستقیم و به منظور وصول بخشی از بدهی های معوقه مالیاتی ورات مرحوم محمد نشاطی (آقای جواد و خانمها زهرا ، منیره و تورن شهرت همگی نشاطی و خانم طاهره بال افکن شیشوان) دو دانگ از شش دانگ مشاع یک باب مغازه (یک باب غرفه) واقع در میدان میوه و تره بار غرفه ۸ از بلوک ۴ متعلق به نامبردگان با مشخصات به شرح جدول ذیل که در قید بازداشت این اداره کل می باشد را با برگزاری مزایده عمومی به فروش برساند. لذا متقاضیان می توانند از تاریخ درج آگهی لغایت پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲ از ساعت ۸ صبح الی ۱۴ ظهر جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۴۴۳۲۲۵۳۴۰۵ تماس حاصل و جهت دریافت پاکت به نشانی ارومیه خیابان کاشانی طبقه اول سالن ۱۰۳ مراجعه نمایند.آخرین مهلت دریافت مدارک (پاکت) متقاضیان شرکت در مزایده پایان وقت اداری روز پنج شنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۴ و زمان برگزاری مزایده راس ساعت ۱۱ صبح روز شنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۶ درمحل سالن کنفرانس اداره کل امور مالیاتی استان آذربایجان غربی بنشانی خیابان کاشانی خواهد بود.
ضمناً مزایده بصورت پاکتی بوده و مورد مزایده به کسی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نماید واگذار میگردد.
همچنین کلیه هزینه ها اعم ازچاپ آگهی ،کارشناسی ، نقل و انتقال ، مالیات و ..... به عهده خریدار می باشد.

کلاسه پرونده	کاربری	پلاک ثبتی	میزان مالکیت	مساحت	قیمت پایه	میزان بدهی مالیاتی	نام مودی
۱۵۴	مغازه (تجاری)	غرفه ۸ از بلوک ۴ میدان میوه و تره بار ارومیه	۲ دانگ از شش دانگ مشاع	۳۵ متر مربع	بدون پایه قیمتی	۲،۷۵۶،۳۱۲،۰۰۰ ریال	ورات مرحوم محمدنشاطی (جواد،زهرا،و تورن نشاطی و خانم طاهره بال افکن شیشوان)

آدرس محل وقوع ملک بازداشتی: ارومیه، بلوار خاتم الانبیاء میدان میوه و تره بار غرفه ۸ از بلوک ۴